

چکیده

بر اساس جهان بینی ادیان الهی انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است. وی عهده دار رسالت کسب معرفت ، تهذیب نفس و اصلاح جامعه است. و حیات او در جهان آخرت نیز استمرار دارد. علاوه بر حفظ کرامت انسان، استعدادهای معنوی و عقلانی بشر در پرتو رهیافت های فطری و هدایت های وحیانی شکوفا می شود. حجاب و پوشش از جمله موضوعاتی است که رعایت آن موجب حفظ کرامت انسان است.

عفاف و حجاب از مفاهیم کلیدی در بسیاری از ادیان و فرهنگ ها هستند که به حفظ حریم شخصی، احترام به خود و دیگران، و تقویت ارزش های اخلاقی کمک می کنند. در جامعه معاصر، این مفاهیم با چالش ها و تحولات زیادی مواجه شده اند. با گسترش جهانی شدن، تغییرات فرهنگی، و تحولات اجتماعی، مفهوم عفاف و حجاب در جوامع مختلف به شکل های متفاوتی تفسیر و اجرا می شود. این مقاله **با روش توصیفی - تحلیلی** به بررسی مفهوم عفاف و حجاب در دین زرتشت و جامعه معاصر می پردازد. **نتایج حکایت از آن دارد که زنان و مردان ایران باستان (زرتشتیان) و جامعه امروزی ، به عنوان جامعه ای قومی - مذهبی نه تنها گرایش بالایی به حفظ هویت قومی خود دارند بلکه حجاب کامل و برتر برای افراد جامعه یک ضرورت بوده است .**

کلید واژه ها : حجاب ، عفاف ، زرتشت ، پوشش ، اسلام ، ایران ،

مقدمه

حجاب و عفاف از مفاهیم بنیادین در فرهنگ دینی هستند که ریشه در آموزه های دینی و اخلاقی دارد . این دو مفهوم نه تنها به عنوان یک دستور شرعی ، بلکه به عنوان یک ارزش اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفته اند . حجاب به معنای پوشش مناسب و رعایت حریم خصوصی در روابط اجتماعی ، و عفاف به معنای حفظ حیا و پاک دامنی در رفتار و نگاه همواره به عنوان دو عنصر مکمل در تعالی فردی و اجتماعی مطرح شده اند . در ادیان الهی از جمله این زرتشت نیز این حکم با تفاوت هایی کم و بیش وجود دارد . پوشش و عفاف از آن جهت که امری فطری و برای حیات اجتماعی انسان ضروری است در ادیان و مذاهب الهی جایگاه خاصی دارد .

حجاب در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان تشدید یا تخفیف یافته ولی هرگز از بین نرفته است . خداوند اشتیاق درونی زنان به حجاب را با تشریع قانون پوشش مستحکم ساخته تا گوهر وجود زن در پوشش حفظ شود و جامعه از فرو رفتن در منجلاب فساد نجات یابد .

بررسی تطبیقی نشان می دهد که مفهوم حجاب در دین زرتشت و جامعه معاصر ، دو جهان معنایی مجزا هستند . در دین زرتشت حجاب ، یک نماد فرهنگی _ اخلاقی و اختیاری و عاری از بار سیاسی است . در مقابل ، حجاب در جامعه معاصر به یک پدیده پیچیده اجتماعی _ سیاسی تبدیل شده که در مرکز تقابل گفتمان های مختلف درباره دین ، قدرت ، آزادی فردی ، فمینیسم و هویت قرار گرفته است درک این تفاوت ها برای هر گونه تحلیل معنا دار از نقش پوشش در ادیان و فرهنگ های مختلف ضروری است .

در رابطه با عفاف و حجاب در دین زرتشت مقالاتی به رشته ی تحریر در آمده که از آن جمله می توان به مقالات زیر اشاره کرد :

مقاله پوشش زنان زرتشتی ایران و تاثیر آن بر هویت قومی و ملی در دوران معاصر

نویسندگان : رامونا محمدی _ محمد رضا شریف زاده _ ابولفضل داوودی رکن آبادی _ حسین اردلانی

این مقاله ویژگی ها و فلسفه استفاده از پوشاک در بین اقوام مذهبی و هویت سازی از طریق آن مورد مطالعه قرار گرفته است و همچنین میزان اهمیت پوشش زرتشتیان در بحث هویت سازی قومی و ملی مورد بررسی قرار گرفته است

مقاله سیری در تاریخچه حجاب و عفاف در دین زرتشت و دین اسلام ، محل انتشار : همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب . سال انتشار : 1396 نویسنده : زهرا عاشوری

نویسنده در این مقاله نخست مفهوم لغوی و اصطلاحی حجاب را تشریح کرده و سپس حجاب در سایر جوامع بشری را به اختصار گزارش می دهد و پس از آن چگونگی حجاب در دین زرتشت را توضیح می دهد و در نهایت حجاب در دین اسلام را تشریح می کند و در پایان به این نتیجه می رسد که حجاب در ادیان قبل از اسلام به صورت شدید تری وجود داشته و اسلام به تسهیل قانون حجاب اقدام کرده است .

مقاله حجاب و پوشش در ادیان زرتشت ، یهود و مسیحیت نویسنده : مهناز علی محمد محمدی نشریه معرفت ادیان سال 1389 این مقاله با رویکرد نظری و اسنادی به تحقیق در مورد این نظریه پرداخته که عده ای معتقدند پوشش و حجاب صرفا نتیجه ی تعامل فرهنگی بین فرهنگ ها است در نتیجه ادیان الهی در مورد چگونگی حضور زن در برابر نامحرم قانون خاصی ندارد .

یکی از هنجارهای کهن و سنت های ملی و دینی دیر پای جامعه ایران اسلامی، سنت حجاب و پوشش کامل زنان هنگام حضور در اجتماع است. این هنجار در منطق دین، طیف گسترده ای از رفتارهای مختلف از پوشش کامل اندام به استثنای مواضع خاص گرفته تا شیوه گفتار، نگاه، راه رفتن، استفاده از زیورآلات، آرایش کردن و کاربرد مواد خوش بوکننده را دربرمی گیرد. افزون بر آن، به برخی امور حاشیه ای هم چون نوع دوخت، جنس لباس، رنگ و تناسب لباس با سن فرد نیز ارتباط می یابد. از این رو، حجاب کامل به معنای رعایت دقیق این مجموعه، متناسب با عرف اجتماعی و نقض کامل آن نشانه بی

حجابی است. رفتار فرد با حجاب به دلیل رعایت معیارها و ضوابط و هم سویی با ارزش های اجتماعی با واکنش های مثبت و رفتار بدحجابان و بی حجابان با واکنش های منفی اجتماعی روبه رو می شود

پدیده (بی حجابی) که گونه ای انحراف و کج روی اجتماعی به شمار می رود ، پدیده ای است که جامعه ایران در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در برخی شهرهای بزرگ و به ویژه در میان برخی گروه های جامعه با آن روبه رو بوده است. با وجود رخ دادن دگرگونی های بنیادین در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی و توفیق نسبی در زدودن برخی مظاهر فرهنگ بیگانه، حکومت تاکنون نتوانسته است این معضل اجتماعی را به شکلی معقول حل کند و به این ضرورت فرهنگی و خواست همگانی، پاسخی شایسته بدهد. چه عواملی در شکل گیری این معضل مؤثر بوده و هستند و چرا تاکنون، با وجود حساسیت های شدید فرهنگی و اقدامات سازمانی، توفیق چندانی حاصل نشده است و چه موانعی برای درمان چنین معضلی وجود دارد.

این تحقیق توصیفی بوده و از طریق کتابخانه ای و اینترنت به جمع آوری اطلاعات لازم از کتاب ها و مقاله ها پرداخته ام . هدف از این تحقیق این است که به بحث در مورد حجاب و عفاف در دین زرتشت و جامعه معاصر بپردازند .

حجاب و عفاف در دین زرتشت دستخوش تحریفات بسیاری شده که نتیجه عوامل تاریخی مانند : جنگ ها ، آمیختگی فرهنگی و سیاست گذاری های حاکمان بوده است . با این حال امروز جوامع زرتشتی به ویژه در ایران و هند می کوشند تا با تکیه بر نسخه های باقی مانده از اوستا و سنت های اصیل ، هویت دینی خود را حفظ کنند .

مفهوم شناسی حجاب

حجاب واژه عربی بوده و زبان شناسان عرب، برای آن، دو معنای اصلی برشمرده اند :

1. حجاب به مفهوم مانع و حایل میان دو چیز است؛ خواه از امور مادی و اشیای محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیر محسوس. (*ابولقاسم راغب اصفهانی ، مفردات الفاظ القرآن ، ص 219 ، 1412 ق*)
همچنین در مصباح گفته شده :

«حجب به معنای منع است؛ از این رو، به پوشش، حجاب گفته می شود؛ زیرا پوشش مانع از مشاهده می شود. به دربان، حاجب گفته می شود؛ چون مانع و بازدارنده از ورود دیگران است. اصل معنای حجاب، جسمی است که بین دو جسد حائل شده و گاه بر امور معنوی نیز به کار می رود . (*احمد/بن محمد فیومی ، المصباح المنیر ، ص 47 ، 1987*)

2. حجاب به معنای ستر و پوشش

صاح اللغه معنای پوشش را برای حجاب یادآور شده و گفته است: «حجاب یعنی پوشش و حجاب درون انسان؛ یعنی آنچه که بین قلب و سایر آن حائل می شود.» (*اسماعیل جوهری اصحاب تاج الغه العربیه ج 1 ، ص 107*) چنان که ابن منظور

نیز در لسان العرب، حجاب را به معنای ستر دانسته و گفته است: حجاب به معنای ستر و پوشش است؛ «حجبه» یعنی آن را پوشانید؛ زن محجوب زنی است که پوشیده باشد. (محمد بن مکرّم بن منظور، لسان العرب، ج 1، ص 298)

اما استفاده از واژه حجاب، در مورد پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها، کلمه ستر که به معنای پوشش است، به کار می رفته، فقیهان در کتاب الصلوة که این مطلب را بیان کرده اند، واژه ستر را به کار برده اند نه کلمه حجاب را. قرآن کریم، در سوره مبارکه نور و احزاب، حدود پوشش و تماس های زن و مرد را ذکر کرده است؛ بدون آنکه کلمه «حجاب را به کار برده باشد. آیه ای که در آن واژه حجاب به کار رفته است مربوط به زنان پیامبر اکرم است. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه گری و خودنمایی پرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است؛ بی تردید حجاب در این اندازه یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. رسول اکرم به اسماء فرمود: همین که دختر به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود؛ مگر این و آنگاه حضرت اشاره به مچ دست به پایین و صورتشان کردند. (سلیمان بن اشعث ابو داود سنن ابی داود، ج 4، ص 62)

مفهوم شناسی عفاف

عفاف نیز واژه ای عربی است که با فرهنگ اسلامی و دینی وارد زبان فارسی شده است. عفاف را به معنای خود نگه داری و بازداشتن نفس انسانی از محرمات و خواهش های شهوانی دانسته اند. راغب در مفردات می گوید: «عفت، حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می شود و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت به این حالت دست یافته باشد.» در قاموس قرآن آمده است: «عفت، به معنای مناعت است. در شرح آن گفته اند حالت نفسانی است که از غلبه شهوت بازدارد. پس باید عقیف به معنای خودنگهدار و با مناعت باشد. (علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 5، ص 18)

عفاف اصطلاحی اخلاقی است. عالمان اخلاق، عفاف را در شمار مهم ترین فضایل اخلاقی جای داده اند و فیلسوفان در حکمت عملی به آن پرداخته اند. ملاصدرا در اسفار عفاف را چنین تعریف کرده: «عفاف، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل میشود؛ نه پرده دری می کند و نه گرفتار خمودی می شود» (ملاصدرا، شرح اسفار، ج 4، ص 116) خواجه نصیر الدین طوسی در تعریف آن می نویسد: «عفاف آن است که نیروی شهوت مطیع عقل باشد تا تصرف او به اقتضای رأی او بود و اثر خیریت در او ظاهر شود و از تعبد هوای نفس و استخدام لذات فارغ شود». (محمد بن محمد، خواجه نصیر الدین طوسی، اخلاق ناصری، ص 74).

علامه سید محمد حسین طباطبائی، عفاف را از اصول گانه فضیلت های اخلاقی می داند که صبر حیا، ایثار، سخاوت، و شاخه آن می روید. او پس از آنکه قوای شهوانی غضبی و فکری را منشأ و خاستگاه تمام اخلاق انسانی برمی شمرد، می

گوید: «حد اعتدال در قوه شهوانی عفاف و افراط و تفریط در آن «شره» و «خمود» نامیده شده. (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 1 ص 137)

بر اساس این . عفاف، معنایی فراختر از پاکدامنی و آلودگی از فحشا و زنا دارد. قرآن کریم و نصوص روایی نیز، عفاف را در معنای وسیع تر از عفاف و پاکی جنسی به کار برده و آن را به معنای در پیش گرفتن رویه اعتدال، خودنگه داری، تسلط بر خویشتن صبری و ایستادگی در برابر کام جویی ناروا میداند که در حوزه تمایلات جسمی و جنسی می گنجد و نفس انسانی خواهان برآورده شدن بی قید و شرط آنهاست . در شمار شواهد قرآنی که بیانگر این معناست، می توان به نمونه های زیر اشاره کرد :

۱ . در سوره مبارکه نور پس از آنکه خداوند مسلمانان را ترغیب به ازدواج و همسر گزینی می کند و به مؤمنان دستور می دهد زنان و مردان بی همسر را همسر دهند، می فرماید: «و کسانی که زمینه ای برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند (نور: ۳۳).

چنان که در این آیه، عفاف به معنای خویشتن داری از گناه و شکیبایی در برابر کمبودهای زندگی و نیازهای جنسی آمده است.

۲. در سوره مبارکه بقره، گروهی از نیازمندان و فقیران، به عفاف و خویشتن داری توصیف و ستایش شده اند. آنان کسانی هستند که از یک سو توان و نیرو برای کار و کسب معاش ندارند و از سوی دیگر، در عین نیازمندی و تهی دستی، از گدایی و اظهار نیاز پرهیز می کنند. چندان که اگر کسی از نزدیک به حال ایشان آگاهی نداشته باشد، آنان را بی نیاز می انگارند. «انفاق شما، مخصوصاً باید برای نیازمندیانی باشد که در تنگنا قرار گرفته اند نمی توانند مسافرتی کنند و سرمایه ای به دست آورند و از شدت خویشتن داری افراد نا آگاه آنان را بی نیاز می پندارند؛ اما آنها را از چهره هایشان می شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند». (بقره: ۲۷۳). در این آیه، واژه عفاف در معنایی فراتر از عفاف جنسی به کار رفته است، و آن عبارت است از عفاف معیشتی و اقتصادی .

تاریخچه حجاب در ایران باستان

"برای قرن های متمادی، پیش از اسلام، پوشش سر یک عرف لباس برای زنان در ایران بزرگ بود وجود اولین پوشش سر در منطقه از نظر تاریخی در بین النهرین به عنوان یک لباس مکمل تعریف شده است، پوشش سر بعدها در آشور موقعیت ممتازی یافت و در قوانین اجتماعی درج شد. پوشش سر نماد موقعیت زنان طبقات بالا و سلطنتی شد، و قانون زنان دهقان،

در دین زرتشت :

• پوشش نماد نظم و هماهنگی با طبیعت

• نشان‌دهنده احترام به عناصر اربعه (آب، آتش، خاک، هوا)

در جامعه معاصر :

• حجاب نماد مقاومت فرهنگی در برابر جهانی‌سازی

• نشان‌دهنده تعلقات مذهبی و سیاسی

4. تحلیل زمینه‌های تاریخی – اجتماعی :

زمینه تاریخی در زرتشتی :

پوشش در چارچوب جامعه طبقاتی و نقش‌های اجتماعی تعریف می‌شد .

ارتباط تنگاتنگ با شرایط جغرافیایی و اقلیمی .

زمینه کنونی :

• حجاب در بستر مدرنیته و جهان معنا می‌یابد

پاسخ به چالش‌های هویتی در عصر جهانی شدن .

نتیجه‌گیری تحلیلی :

این تحلیل نشان می‌دهد که اگرچه صورت ظاهری و مبانی نظری حجاب در این دو دوره متفاوت است، اما دغدغه مشترک

حفظ کرامت انسانی و تنظیم روابط اجتماعی در هر دو وجود دارد. درک این پیوستار فرهنگی می‌تواند به صورت‌بندی

سیاست‌های فرهنگی مناسب‌تر بینجامد

(مقاله حجاب و پوشش در ادیان یهود ، مسیحیت ، اسلام و زرتشت – نویسنده زهرا نبئی – 1393)

(مقاله حجاب در ادیان الهی – نوشته علی محمدی – 1380 – انتشارات نور گستر قم)

ریشه‌های تاریخی حجاب در تمدن ایران باستان و پیامدهای آن برای جامعه معاصر

حجاب به عنوان یک پدیده فرهنگی-مذهبی، غالباً در گفتمان معاصر به عنوان حکمی منحصر به فرد به اسلام نسبت داده می‌شود. در حالیکه شواهد تاریخی و متون باستانی، نشان می‌دهد که حجاب پیشینه‌ای کهن در تمدن ایران باستان و آیین زرتشت داشته است. از این رو، استدلال می‌شود که حجاب صرفاً یک امر اسلامی نیست، بلکه بخشی از میراث فرهنگی-اخلاقی تمدن‌های کهن، از جمله ایران، محسوب می‌شود.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حجاب ریشه در فرهنگ‌های کهن دارد و منحصر به اسلام نیست. در واقع، اسلام نیز با تأکید بر حجاب، به شکلی دیگر این ارزش مشترک تمدن‌های باستانی را تأیید کرده است. از این منظر، حجاب را می‌توان نمادی از حیا و احترام به شخصیت زن دانست که در طول تاریخ در جوامع مختلف حضور داشته است.

با توجه به ریشه‌دار بودن حجاب در فرهنگ ایرانی-اسلامی، می‌توان استدلال کرد که جامعه معاصر ایران می‌تواند با حفظ این ارزش، هویت تاریخی و اخلاقی خود را تقویت کند. حجاب نه به عنوان یک اجبار، بلکه به عنوان نمادی از حیا و احترام متقابل، می‌تواند در تعاملات اجتماعی نقش ایفا کند. همچنین، احترام به این سنت دیرینه می‌تواند به حفظ انسجام فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی جهانی کمک کند.

(فصلنامه فرهنگ مردم ایران - شماره 48 و 49 - 1396)

نتیجه گیری

بررسی شواهد تاریخی و متون دینی زرتشتی به وضوح نشان می‌دهد که حجاب در ایران باستان سابقه‌ای دیرینه داشته و به عنوان یک ارزش اخلاقی و فرهنگی شناخته می‌شده است و نمی‌توان آن را پدیده‌ای صرفاً اسلامی تلقی کرد. این واقعیت تاریخی، دو پیامد مهم برای جامعه معاصر ایران در بر دارد:

حجاب به عنوان میراث فرهنگی-تاریخی ۱.

حجاب در فرهنگ ایرانی ریشه در ارزش‌های اخلاقی مشترک میان ادیان الهی و تمدن‌های کهن دارد. از ایران باستان تا به امروز، حجاب نماد حیا، احترام به شخصیت زن و حریم‌های اخلاقی در روابط اجتماعی بوده است. بنابراین، جامعه ایران می‌تواند با نگاهی آگاهانه به این پیشینه غنی، حجاب را نه به عنوان امری تحمیلی، بلکه به عنوان جزئی از هویت فرهنگی مستقل خود بپذیرد. این نگاه می‌تواند از حجاب در برابر چالش‌های جهان مدرن محافظت کند و آن را به انتخاب آگاهانه نسل جوان تبدیل نماید.

۲. ضرورت تحول در گفتمان حجاب

با توجه به سابقه تاریخی حجاب، لازم است گفتمان رایج در مورد حجاب از حالت دفاعی و صرفاً فقهی خارج شود و به بازخوانی فرهنگی-تاریخی آن بپردازد. ترویج این آگاهی می‌تواند:

- افزایش پذیرش اجتماعی: با نشان دادن تعلق حجاب به تمدن ایرانی، زمینه‌های پذیرش داوطلبانه آن فراهم شود.
- تقویت انسجام ملی: حجاب به عنوان پل ارتباطی بین گذشته و حال، عاملی برای انسجام فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی جهانی شود.
- ارزش‌گذاری بر اساس انتخاب آگاهانه: زمانی که حجاب از پشتوانه تاریخی و فرهنگی برخوردار باشد، افراد با آگاهی و علاقه شخصی آن را برمی‌گزینند.

حجاب در ایران معاصر می‌تواند نماد تلفیق فرهنگ اصیل ایرانی با ارزش‌های دینی باشد. این پیوند تاریخی نه تنها بر غنای فرهنگی جامعه می‌افزاید، بلکه باعث می‌شود حجاب از حالت یک دستور صرف خارج شده و به انتخابی خردمندانه و هویت‌ساز تبدیل شود. بنابراین، جامعه ایران با اتکا به این پیشینه تاریخی قادر خواهد بود الگوی متعادلی از حجاب را در عصر حاضر ارائه دهد؛ الگویی که هم بر اصالت فرهنگی استوار است و هم پاسخگوی نیازهای جهان مدرن می‌باشد.

منابع

1. ابو القاسم راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۱۹، ۱۴۱۲ق
2. احمد بن محمد فيومي، المصباح المنير، ص ۴۷، ۱۹۸۷
3. اسماعيل جوهری، اصحاب تاج الغه العربيه، ج ۱، ص ۱۰۷
4. ه. محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸
5. ابولقاسم راغب اصفهانی، مفردات الفاظ، ج 2، ص 164
6. علی اکبر قرشی قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۸
7. ملاصدرا، شرح اسفار، ج ۴، ص ۱۱۶ ۱۲
8. محمد بن محمد خواجه نصیر الدین طوسی، اخلاق ناصری، ص ۷۴ ۱۳
9. سید محمد حسین طباطبائی حسین طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن ج 1، ص 137
10. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، ج ۱، ص ۵۵۲ ۱۹
11. اوستا، مترجم هاشم رضی، بخش هشتم، خرده
12. سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان، ص ۱۰ ۲۴
13. زهره سادات موسوی، عفاف و حجاب در ادیا الهی، ص ۳۹ ۲۶

14. جیم دار مستر مجموعه سخنرانی موبد موبدان رستم شهرداری ، ص 275

15. سالنمای انجمن زرتشتیان ، تهران ، ص 10 ، 1372

16. فریدون پور بهمن ، پوشاک در ایرانیان باستان ، ص 76

17. یسنا ، ص 53 ، بند های 5 الی 8